

فصل نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال یازدهم، شماره چهل و چهارم، زمستان ۱۴۰۰
مقاله پژوهشی، صفحات ۴۸-۲۹

سیر تحول اندیشه معترضان به حجاب از عصر ناصری تا پهلوی دوم (۱۳۲۷-۱۳۲۰ش)

فاطمه شکیب رخ^۱
حسن زندیه^۲

چکیده

به دنبال رویارویی نواندیشان با مدرنیته، آرای معترضان حجاب، به عنوان تمهید الزامات روشنفکری و نوگرایی مطرح شد. مقاله حاضر به روش اسنادی - تحلیلی، در پی بررسی تحول نظریات منتقدان حجاب، در بازه زمانی (۱۳۲۷ - ۱۳۲۰ش) است تا با تشریح باور و عملکرد آنها، عوامل مؤثر بر گسترش انتقاد تحول گرا به پوشش سنتی زنان ایران را تبیین کند. نتایج این بررسی نشان می دهد که هسته مرکزی آرای تحول خواه با گذر از دوره ناصری و سپس مشروطه، در اعتراض به اشکال حجاب سنتی شکل گرفت. پس از آن تغییر نگرش درباره حدود و نوع پوشش در فرایند آموزش انعکاس و رشد یافت. سپس در آستانه تغییر سلطنت از قاجار به پهلوی، با دال مرکزی اعتراض بر حجاب، دو نگرش حداقلی و حداکثری مطرح شد. نگرش حداقلی بر مدرن پوشی و حجاب اختیاری و نگرش حداکثری بر حذف حجاب سنتی تأکید داشت. رویکرد حداکثری در دوره پهلوی اول به حذف حجاب عمومی متمایل شد و در نتیجه تقابل این دو نگرش نواندیشان دین گرا و تجددمآب با مشخصه الگو محوری زن غربی نمود پیدا کردند.

کلیدواژه ها: پهلوی اول، تجددگرایی، حجاب، عصر ناصری، کشف حجاب.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ تشیع، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول).

F.shakibrokh@gmail.com

۲. استادیار تاریخ، دانشگاه تهران، تهران، ایران. zandiyehh@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۸/۲۷ تاریخ پذیرش: ۰۰/۱۱/۱۹

The evolution of the thoughts of protesters to hijab from the Naserid era to the second Pahlavi period (1227-1320)

Fatemeh Shakibrokh¹

Hassan Zandieh²

Abstract

Following the confrontation of modern thinkers with modernity, the votes of the hijab protestors were raised as preparation of intellectualism and modernity requirements. The present article by using a documentary-analytical method investigates the development of the hijab critics' theories during the 1227 to 1320 period by describing their beliefs and performances to explain the influential factors on the revolutionary criticism development to the traditional clothing of Iranian women. Findings indicate that the central core of reformist votes was formed after the Naserid and the constitutional period in protest against the traditional forms of hijab. After that, the change of attitude about the limits and kind of coverage was reflected and developed in the education process. Then, by changing the monarchy from Qajar to Pahlavi aiming to protest against hijab, two minimal and maximal attitudes were proposed. The minimal attitude emphasized modern wearing and optional hijab, and the maximal attitude emphasized removing the traditional hijab. The maximal approach in the first Pahlavi period tended to remove the public hijab, and as a result of the confrontation between these two attitudes, modern religious and reformist thinkers with the characteristic of the western women central model appeared.

Keywords: Andalusia, *Historia Arabum*, *Historia Gothica*, Razi, Rodrigo Jimenez.

1. PhD student of Shi'a history, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding author). F.shakibrokh@gmail.com

2. Assistant professor, Department of History, University of Tehran, Tehran, Iran. zandiyehh@ut.ac.ir

درآمد

در بسترهای شکل یافته از عصر ناصری به بعد، از جمله آشنایی با سبک زندگی فرنگیان، تجددخواهی، مشروطه‌طلبی، جایگاه نامطلوب زنان، تحولات فکری، گسترش نگرش غرب‌گرایی، خیزش استعمار جهانی برای سلطه بر بازار مصرف کشورهای جهان سوم، روشنگری نشریات، تشکیل انجمن‌ها و آموزش عمومی و ایجاد مدارس با گرایش‌های غیربومی که در دوره قاجار و اتصال آن به دوره پهلوی شکل گرفت؛ زمینه را برای نگرشی متفاوت در ذهن تجددخواهان، در خصوص نوع پوشش زنان به وجود آورد. به این منظور، مطالبه ارتقای جایگاه اجتماعی زنان، مساوات، تحصیل، آزادی پوشش و مانند اینها، توسط بانوان و مردان نواندیش، با جدیت دنبال شد که در این میان بیان مطالبات فعالان عرصه زنان، در مسئله پوشش و حجاب با تحول همراه بود. رویکرد مذکور، در مهم‌ترین ارکان فرهنگی کشور، یعنی مدارس دخترانه به خصوص مدارس خارجی، انجمن‌ها، نشریات و مکتوبات با اعتراض بر اشکال رایج حجاب انجام شد و با اقدامات دولت رضا شاه و مدافعان آن متحول شد. پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که چه عواملی در تحول اندیشه معترضان حجاب از عصر ناصری تا پایان دوره رضا شاه (۱۲۲۷ - ۱۳۲۰ ش) ایفای نقش کرده است؟ شاخصه‌های اعتراض بر حجاب در کدام بافت‌ها و موقعیت‌ها رشد و نمو داشت؟ چه نسبتی میان باورهای نواندیشی در نوع حجاب و پوشش مدرن زنان وجود داشت؟

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشی مستقل درباره سیر تحول اندیشه معترضان حجاب انجام نشده است. با این حال، منابعی که مورد استفاده تحقیق حاضر قرار گرفته است، عبارتند از: کتاب *خاطرات تاج السلطنه* به کوشش اتحادیه و سعدویان (۱۳۶۲ ش) که داستان زندگی شاهزاده قاجاری و در واقع گویای نگاه دگران‌دیشانه روشنفکران، نسبت به وضعیت اجتماعی زنان ایران دوره ناصری است و با رویکرد انتقادی به جایگاه موجود زنان و مطالبات نوشته شده است. مجموعه ده جلدی *روزنامه خاطرات عین السلطنه* که جلد پایانی آن، مربوط به روزگار پادشاهی سلسله پهلوی است. این مجموعه به همت سالور

و دیگران (۱۳۸۰ش) گردآوری شد. عنوان روزنامه، نامی برآمده از نگارش خاطرات روزانه عین‌السلطنه است. شرح برخی از احوال و وقایع سیاسی، اجتماعی، مدنی و فرهنگی پادشاهی رضا شاه که حکایت از شرایط آن روزگار دارد، مورد استناد تحقیق پیش‌رو قرار گرفته است. گزارش فعالیت‌ها و زندگی‌نامه برخی از زنان تحول‌خواه در اثری به نام *زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید* توسط بامداد (۱۳۴۸ش)، روزنامه‌نگار و فعال اجتماعی نیز در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته است. مجله *عالم‌نسوان*، نشریه مدرسه دخترانه آمریکایی تهران (۱۳۰۰ - ۱۳۱۲ش)، با قدمتی دوازده‌ساله بود که اخبار تجددخواهی زنان ایران را در زمینه حجاب، آموزش و حقوق سیاسی، در قالب مقالات به ثبت رسانده است. صلاح (۱۳۸۴ش) در اثری با عنوان *کشف حجاب (زمینه‌ها، پیامدها و واکنش‌ها)* با بهره‌گیری از اسناد و گزارش‌های تاریخی به تبیین چگونگی تجددگرایی و کشف حجاب در دوره رضا شاه پرداخته است. *خشونت و فرهنگ؛ اسناد محرمانه کشف حجاب* (۱۳۲۲ - ۱۳۱۳ش) که به‌کوشش مدیریت پژوهش آموزش و پرورش (۱۳۷۱ش) انتشار یافته، دارای محتوای غنی از اسناد و منابع دست‌اول است و از این‌رو می‌تواند در بازنمایی سیر تحول آرای معترضان، مفید واقع شود. افزون‌بر منابع یاد شده، مقالات متنوعی در ارتباط با حواشی مسئله کشف حجاب عصر پهلوی، موجود است که مهم‌ترین آنان در مجموعه *مقالات همایش ملی قیام گوه‌رشاد به‌کوشش وکیلی* (۱۳۹۶ش) در دو جلد به چاپ رسیده است؛ در این مجموعه ارائه مقالاتی در ارتباط با واقعه گوه‌رشاد و بستر اصلی آن یعنی منع حجاب رضاخانی و طرح موضوعاتی از جمله تجددگرایی، تأثیر فرهنگ غرب در دگرگونی اندیشه حجاب، هویت ستیزی، در شمار مسائل مورد توجه نگارندگان بوده است. در تحقیق حاضر شناسایی ارکان و کارکرد بسترهای شناخته شده، در سیر تحول اندیشه معترضان حجاب، مورد بررسی قرار گرفته است، لذا وجه تمایز این پژوهش با آثار یاد شده، در بازنمایی پیوستگی خاستگاه فکری، گفتمان و عملکرد روشنفکران در مسیر تحول است که در آثار فوق مغفول مانده و از این منظر مسئله مقاله حاضر موضوعی نو و بکر به‌شمار می‌رود.

چارچوب نظری

اعتراض بر اشکال و یا اصل حجاب، پیش از مشروطه بر اساس کدام بنیان فکری و آرای اندیشمندان اسلامی مطرح شده بود؟ دگراندیشی حجاب پس از مشروطه، در کدام بستر به تحول گرائید؟ به نظر می‌رسد در پاسخ به سؤال نخست، قدیمی‌ترین نوشتاری که رویکردی انتقادی به حجاب دارد، کتاب/تعیان، عمرو بن بحر ملقب به جاحظ (متوفای ۲۵۰) است. وی عدم پرده‌نشینی و روا بودن نگاه مردان بر زنان را، با بیان شواهدی از قرآن و سیره و برخی گزارش‌های تاریخی، بیان کرده است (جاحظ، ۶۷/۳ - ۶۸)، پس از جاحظ، متفکران معاصر عرب، حجاب را با دو نگرش به نقد کشیدند. نگرش اول اصل حجاب و نگرش دوم اشکال رایج حجاب را به نقد کشیده است. قاسم امین (۱۹۰۸/۱۸۶۳ م) با تحریر دو کتاب *تحریر المرأة* و *المرأة الجديدة* و اتخاذ آرای فقهی استاد خویش محمد عبده^۱، مدعی بود که حجاب اسلامی رایج در نزد مسلمین، عاریه‌ای از سایر ملت‌ها است (امین، ۶۵، ۷۸). العشماوی (۱۹۳۲ - ۲۰۱۳ م) نیز بر حکم موقت حجاب تأکید کرد و پوشش و لباس را از امور عرفی و خارج از واجبات دینی دانست (مهریزی، ۱۷). بدین ترتیب، هم‌زمانی آگاهی نواندیشان ایرانی از تجدد غربی و آرای منتقدان عرب، نسبت به حجاب شرعی، گفتمان روشنفکری پوشش زنان ایران معاصر را بنیان نهاد. در ادامه بر اساس این چارچوب نظری، با در نظر داشتن مجموع آراء و عملکرد معترضان حجاب، سیر تحول آرای ایشان باتکیه بر عوامل بسترساز این گفتمان، ارائه و تحلیل شده است.

عوامل مؤثر در تحول اندیشه معترضان حجاب

پس از آشنایی ایرانیان با تجدد غرب در عصر ناصری و سپس ورود به مشروطه‌خواهی، مهم‌ترین مطالبات عموم زنان نواندیش، آموزش عمومی، مساوات و پوشش مدرن بود. این مطالبات با گفتمان تبیینی اندیشمندان دینی ساختاری متفاوت

۱. مساوات کامل مرد و زن در ارزش‌های انسانی و ضرورت گذر از مسئله چندهمسری (تعدد زوجات)، حاصل برداشت اجتهادی عبده بود (نک. رشید رضا، ۲۶۴/۴، ۲۷۱، ۳۷۵).

داشت (زرگری نژاد، ۲۶۸، ۲۱۹، ۲۹۵؛ نوری، ۴۳). عدم نگرش یکسان در مسئله پوشش اسلامی، از همان بدو مشروطه با ترویج نظریات روشنفکری و پیگیری آن توسط وابستگان دربار قاجار مشهود بود. ابراز نگرانی افشار مذهبی از زمینه سازی برای تغییر حجاب نیز قابل فهم است (نک. کرمانی، ۳۲۲؛ سالور، ۷۷۰۲). در این امر، نقش معنوی مدرنیته و ترویج باورهای مشهور آن از جمله آزادی و مساوات، بر کارکرد اجتماعی ارکان فرهنگی در اواخر قاجار تا آغاز پهلوی، اثرگذار بود؛ چرا که ایرانیان با مدرنیته ای که برآمده از ظواهر تمدنی غرب بود و به اذعان مدافعان آن، ظرفیت محسوسی برای اجرای آن موجود نبود (طالبوف، ۲۷)، همسو شده بودند. از این رو، تجددطلبی با تکیه بر مفاهیم فرهنگی غرب، حجاب اختیاری و یا تغییر پوشش و مدرن پوشی مردان و زنان را برای روشنفکران موجه می نمود. به سبب غلبه روشنفکران بر کانون های فرهنگی جامعه، یعنی آموزش دختران، نشریات، انجمن ها و مانند اینها، تغییر نگرش اعتراضی به حجاب به تحول منجر شد. ابعاد شاخص این تحول بدین شرح است.

۱. نقش آموزش در مسیر تحول

دگرگونی شکل یافته، محصول تطور نگرش به حجاب و پوشش، درکانون های آموزش و اطلاع رسانی زن مدار بود که با نقش محوری جراید به پیش می رفت.

۱-۱. پرچمداری نشریات و مکتوبات در تحول آراء

نگاه جنسیتی و نامطلوب به زنان عصر قاجار، به خصوص در رسائل مردسالار^۱ بر نفی نقش اجتماعی و مشورتی زنان و اطاعت محض از شوهر تأکید داشت و بانوان را به بی وفایی، مکر، سخن چینی و خیانت به همسر و مانند اینها منتسب می کرد (کراچی، ۱۴۰، ۱۵۹-۱۶۸، ۱۸۰-۱۸۲). استمرار این نگاه در سلطنت پهلوی، بانوان را حتی در تغییر پوشش سنتی، به اجازه کفیل خود در نظمیه شهر، وابسته می دانست (سالور، ۷۷۰۱). جایگاه والای زن غربی و نقش مؤثر آنان در اجتماع (مراغه ای، ۴۹۸-۴۹۹،

۱. استرآبادی کتاب معایب الرجال را در پاسخ به کتاب مرد سالارانه و طنزآمیز تأدیب النساء نگاشت.

۶۷۸-۶۸۰)، توجه به آموزش زنان را به مراتب واجب می نمود. درحالی که رویکرد غالب نشریات زن مدار، با نگاه برون رفت نگارندگان، در مطالبه حقوق عادلانه و گذر از زن سنتی و محوریت زن مدرن، ایستایی یافته بود. این روند با مقدمه ای مبنی بر مطالبه آموزش و تربیت دختران و زنان آغاز شد (نک. «الرجال قوامون...»، ۸؛ «طلب العلم...»، ۲-۱؛ «در فرایض مربیان...»، ۶-۴؛ «وخامت نادانی مادران»، ۳-۲). مسیر برگزیده این نشریات مشابه بود و در صف مقدم این نهضت، نشریاتی مانند هفته نامه دانش (۱۳۲۸/۱۲۸۹)، روزنامه مصورشکوفه (۱۳۳۱/۱۲۹۲) و ایران نو (نک. «گرفتار ظلمت...»، ۴، ۲) نقش آفرین بودند (صدرهاشمی، ۲۶۶-۲۶۷، ۸۰-۸۱). برخی از این نشریات مانند دانش («تربیت از گهواره...»، ۳-۲)، با وجود نگرش اولیه منفی به دریافت مظاهر غرب، با شناخته شدن و پذیرش در بین جوانان نواندیش، رویکرد بعدی آنان یعنی اعتراض بر حجاب نمایان شد. دیدگاه مذکور، همچون زنجیره ای به هم پیوسته بود که هر یک از نشریات مخالف، در منظر یکی از حلقه های این پیوست قرار داشتند و در نهایت، سبب جدایی و طرد منورالفکران از جانب مدافعان حجاب مرسوم شد. این امر در نتیجه تبلیغ الگویابی از زن غربی، در نشریات روشنفکر شتاب بیشتری یافت و در نتیجه آن نشریه زبان زنان (۱۳۳۷/۱۲۹۸ تا ۱۳۰۰)، با معرفی ایدئولوژی های سیاسی همچون سوسیالیسم و سوسیال دموکراسی (نک. صدرهاشمی، ۱۳۶۳/۲، ۶-۱۰؛ «حق با آزادی ست»، ۲-۱؛ «سوسیالیسم»، ۱-۳) و الگو پنداری وضعیت زنان غربی، سبب ایجاد خشم افکار عمومی، به ویژه طیف های مذهب گرا شد (شیخ الاسلامی، ۸۹، ۹۸). نامه بانوان نیز با گذر از چهره زن سنتی و طرح سنجش الگوهای اروپایی و آسیایی با زنان ایرانی و انتخاب زبان شعر در بیان انتقادهای سیاسی، اجتماعی، مذهبی، شعر «کفن سیاه» («عریضه دوم...»، ۱؛ «خدمت مدیره محترمه»، ۱۲-۳؛ «سحرگه به گوشم نویدی رسید»، ۷) را تکمله ای برای آغاز تغییر نگرش نشان داد. این دگرگونی آغاز رویکردهای زن سالارانه را در پی داشت. چنانچه مجله جهان زنان (۱۳۳۸/۱۲۹۹)، با تبلیغ مد روز و الگویابی از تمدن اروپا و غرب، به منظور تغییر افکار و مزاج بانوان ایرانی بر رفع حجاب و تساوی حقوق زنان اصرار داشت («زنان نامی جهان»، ۱۰۴-۱۰۵).

۱۰۵؛ تکمیل همایون، ۴۵). در جرایدی مانند جمعیت نسوان وطن‌خواه (۱۳۰۲/۱۳۴۱)، با بازتاب نوشته‌های زنان فاخر و شاعر اروپا و مقایسه زنان دولت‌های متمدن و متمدنی غرب، بهره‌مندی از روش هم‌سنجی زنان ایرانی عرضه می‌شد (صدرهاشمی، ۲/ ۱۶۹-۱۷۰؛ «اولین قدم»، ۱-۳). در همین راستا، روش همسوسازی خانواده ایرانی با مدل‌های اروپایی و آمریکایی و تبلیغ و تطبیق آن با پیشرفت زنان متمدن اروپا و حتی برخی کشورهای آسیایی، از دیگر اسلوب‌های نهضت تجددگرای زنان از جمله عالم نسوان (۱۳۰۰-۱۳۱۲ش) بود.

در مجموع، پایه نگرش نوینِ مکتوبات زنِ مدارِ دهه اول قرن چهاردهم شمسی، بر روی‌گردانی از حجاب سنتی، مبتنی بر اقناع اندیشه در همسانی با زن غربی بود («کوکب آغاخانم»، ۲۶۶-۲۵۸؛ آفاری، «گذار از میان صخره...»، ۳۷۰). این مسئله، با جهت‌گیری نظریات نوگرایان و در قالب طرح مسائل زنان به تقبیح حجاب یا وضع قانون حامی منجر شد («تکرار ازدواج...»، ۱-۷، ۲۴).

پس از نسل اول نشریات زنان که با هدف تربیت، آموزش و بیداری زنان ایرانی، قدم به عرصه اندیشه نهاده بودند، نسل دوم با نقد و موشکافیِ فرهنگ سنتی جامعه اسلامی و بی‌توجه به ارائه راهکارهای دینی مناسبِ چنین جوامعی، اهتمام خود را متوجه ظواهر تجدد سازی و مسائل پیرامون آن کردند. مضاف بر نقش نشریات داخلی، واکنش و پیگیری مطبوعات خارج‌نشین ایرانی و غربی، نسبت به روند کشف حجاب در ایران و تجویز نسخه‌های حجاب زدایی قابل تأمل است. جراید برون‌مرزی با نگاه حمایتی و مراقبتی به مسئله آزادی پوشش زنان ایرانی، در واقع یادآور همدلی و همفکری خود با مخالفان حجاب درون‌مرزی بودند.^۱

۱. در این باره نشریاتی مانند مجله ایرانشهر چاپ آلمان، بدبختی‌های زن ایرانی را ناشی از حجاب و جهالت حاصل از آن می‌دانست («احساسات پاک...»، ۷۱۸-۷۲۱). روزنامه‌های بومی ترکیه نیز در بازتاب اخبار کشف حجاب فعال بودند («راجع به تشریف‌فرمایی...»، سند ش ۱۸).



۲-۱. محوریت مدارس در مسیر تکامل آرای معترضان

مهم‌ترین مسئله‌ای که در آموزش زنان معضل‌آفرین بود، وجود مدارس خارجی مروج فرهنگ غرب و به تبع آن، ترویج فرهنگ و پوشش غیر ایرانی بود. این مدارس نظارت دولتی را برنمی‌تافتند و دولت‌ها نیز برنامه‌ای برای آنها نداشتند. در سال ۱۳۰۶ش، در زمان وزارت سید محمد تدین، برای ساماندهی ساختار علمی و فرهنگی مدارس خارجی اقداماتی انجام شد (سالور، ۷۶۴۴) که البته تداومی نداشت. تغییر اعتقادات دینی، آموزش زبان خارجی در جهت غرب‌گرایی دانش‌آموزان و به تبع آن تغییر پوشش دختران، اهدافی بود که حتی در کلام میسیونرهای مسیحی نمایان بود (شوادران، ۳؛ رشیدی، ۱۳۲؛ آفاری، *انجمن‌های نیمه سری زنان*، ۴۱-۴۲، ۲۸).

تشکیل مدارس دخترانه مانند عفاف، تربیت، شمس‌المدارس و حجاب در تهران (ترابی فارسانی، ۹۳ - ۹۴)، هم‌زمان (۱۲۸۸/۱۳۲۷) با ورود مدرنیسم و تمدن غرب به ایران، سبب تأثیرپذیری نظام آموزشی مدارس نوین، از نظام آموزشی مدارس خارجی شد. به علت الگو برداری از مبانی و آموزه‌های غربی و تشویق دانش‌آموزان به دوری از فرهنگ ملی و اسلامی در مدارس غرب‌گرا، مورد توجه عموم جامعه قرار نگرفت و با مخالفت قشر سنتی و مذهبی مواجه شد (نوری، ۳۳-۲۷). در کنار روند نامتعادل مدارس غیرمذهبی، برخی مدارس با همسوسازی دروس با اعتقادات و عرف سنتی، از جمله تدریس قرآن و تأکید بر شعائر مذهبی مانند روضه‌خوانی، نهاد آموزشی خود را فعال نگه داشتند (بامداد، ۴۳-۴۱). در برخی مدارس ایرانی تجددمحور حجاب شرعی مفهومی نداشت. تصاویر باقی‌مانده از دانش‌آموختگان این مدارس نشان‌دهنده پوشش نوین آنهاست. فخر عظمی ارغون^۱، فارغ‌التحصیل مدرسه ژاندارک، مدرس زبان فرانسه در مدرسه ناموس و مهری‌ماه فرمانفرما دانش‌آموخته مدرسه ناموس^۲، در شمار این افراد بودند. فارغ‌التحصیلان این مدارس، با تأسیس انجمن‌ها و نشریات زنانه و ایجاد

۱. او از پیشگامان بی‌حجابی در ایران و از اعضای کانون جمعیت نسوان وطن‌خواه بود (صلاح، ۱۴۸).

۲. نک. فرمانفرمایان، زیر نگاه پدر.

مدارس دخترانه به پیاده‌سازی باور الگو محوری «زن غربی» و روی‌گردانی از حجاب پرداختند؛ در این مسیر، محوریت نقش مدارس، برای تجربه حذف حجاب اسلامی که پیش از تشکیل سلطنت پهلوی آغاز شده بود، در دوره پهلوی با قانون ممنوعیت استفاده از چادر در مدارس و افتتاح دبستان‌های مختلط، مضاعف شد (ترابی فارسانی، ۹۸: ۹۶). مریم فیروز در این باره می‌نویسد: «در مدرسه آواز می‌خواندیم و می‌رقصیدیم و آزادانه با همه کس و درباره همه چیز گفت‌وگو می‌کردیم» (فرمانفرمایان، ۷۵). اهمیت و موضوعیت این مسئله، مورد التفات سیاست‌گذاران و کارگزاران فرهنگی پهلوی نیز قرار داشت؛ چنان‌که اسناد بر محوریت مدارس در انتشار بی‌حجابی دلالت دارند (نک. خشونت و فرهنگ، ۲) و عیسی صدیق نیز تعلیم، تربیت و رشد فکری و ورود زنان در عرصه‌های اجتماعی را، دروازه همسان پوشی غربی می‌دانست (صدیق، ۳۰۷/۲) و شمس‌الملوک جواهرالکلام در مخالفت با حجاب، از محاسن روی‌گردانی آن سخن می‌گفت و برای دخترها نوید رهایی از قید و بند چادر سیاه و محاسن برداشتن چادر را تعریف می‌کرد (بامداد، ۴۴/۲). از این‌رو، در جهت سیاست پیاده‌سازی مبانی پوشش غیر اسلامی، معلمان و دانش‌آموزان به‌عنوان اولین جامعه هدف تغییر لباس و پوشش، ملزم به استفاده از لباس یکسان و کلاه پهلوی شدند (مکی، ۷۰/۵).

۳-۱. کارکرد انجمن‌ها و احزاب در رواج پوشش مدرن

هم‌زمان با رشد مدارس دخترانه، برخی نهادها و انجمن‌های بانوان، نقش مهمی در روی‌گردانی از حجاب ایفا کردند. این کانون‌ها در رواج بی‌حجابی، نقش تکامل‌گر را برای مدارس و جراید به عهده داشتند. انجمن‌های فعال در انتقاد به حجاب با عملکرد دوگانه، در رواج پوشش اروپایی کوشا بودند. برخی مانند زندخت شیرازی که انجمنی بر مبنای رفع حجاب تأسیس کرد، ساختار مجمع خویش را بر اساس مخالفت با حجاب بنا نهادند که البته موفقیت چندانی نیافتند (وطن‌دوست و دیگران، ۱۸) و برخی مانند صدیقه دولت‌آبادی از اعضای فعال «جمعیت نسوان وطنخواه» (بامداد، ۱۵؛ دولت‌آبادی، ۳۴/۱، ۳۶، ۸۹-۹۱)، با ریاست بر کانون بانوان برای تغییر پوشش زنان

اقدامات عملی انجام دادند. کانون بانوان با اشاعه آزادی به سبک اروپایی در ساختار برنامه‌های مدونی همچون، برگزاری مجالس و جشن‌های آهنگین، سخنرانی، اجرای نمایش و برنامه‌های مفرح، مطالبه حقوق زنان و رفع حجاب در مجامع زنانه را جزو ملزومات تجددگرایی بیان و از روش مسالمت‌آمیز استفاده کردند. چنین کانون‌هایی با مساعدت وزارت معارف و به دستور رضا شاه تشکیل و از حمایت دولت بهره‌مند بودند تا مجری زمینه‌های نهضت آزادی زنان ایران باشند (بامداد، ۸۹، ۹۰-۹۱). این کانون‌ها برای فراگیرکردن فرهنگ نواندیشی، تجدد بانوان و اشاعه پوشش مدرن مدارس و چادر برداری کوشش کردند (ظهیری، ۴۶؛ خشونت و فرهنگ، ۲۲-۲۳). روش فعالیت این کانون‌ها متنوع بود. چنانچه جمعیت نسوان وطن‌خواه از راه نگارش مقالات در مجله نسوان وطن‌خواه، متولی حجاب زدایی بود و جمعیت تمدن نسوان، با عنوان نشر معارف، فراخی اندیشه‌ها، تربیت و تعلیم زنان، نمایش اجرا می‌کرد (بامداد، ۴۶-۴۸؛ ناهید، ۱۱۵-۱۱۸). البته سرنوشت بسیاری از انجمن‌ها و نشریات در عهد رضا شاه، به دلیل خودکامگی و استبداد رضا شاه به ناکامی انجامید (برای تعطیلی جراید زن محور، نک. آبراهامیان، ۱۲۷، ۱۱۷).

۲. تحول نگرش در حدود پوشش زنان

در اوان مشروطه، هسته مرکزی انتقاد بر حجاب شکل گرفت. توجه معترضان بر چادر سیاه، چاقچور، روبند و یا همان تغییر نوع پوشش زنان بود و بحث جدی در برهنگی سر و احیاناً بدن زنان در بین نواندیشان مطرح نمی‌شد. بنابراین، اعتقاد به فرنگی شدن و پوشش مدرن، در شمار بایسته‌های روشنفکری پس از مشروطه بود که در آرای مکتوب نواندیشان نیز به چشم می‌خورد (طالبوف، ۱۲۵؛ آدمیت، ۱۱۳). پس از آن در اثر عوامل اجتماعی مانند عدم انعطاف اقشار مذهبی و سستی در مطالبات زنان دگراندیش، نگرش به پوشش زنان متحول شد. این تحول در گفتارهای زنان روشنفکر نیز دیده می‌شود. چنان‌که مهرانگیز دولتشاهی از سختی حمل چادر برای فعالیت‌های اجتماعی سخن گفت و از افراد شاخص مذهبی درخواست راه حل کرد. البته

درخواست او با پاسخ مطلوب روبه‌رو نشد (دولتشاهی، ۳۰). برخی زنان نواندیش خود به چاره‌جویی نشستند و برخی دیگر به‌سوی پوشش مدرن گام برداشتند. مهر تاج رخشان، از اولین بنیان‌گذاران مدارس دخترانه در ایران (۱۳۱۸/۱۲۸۰)، برای حل دشواری حجاب سنتی و رهایی از چاقچور، لباسی را طراحی کرد که در عین پوشیدگی مانع آزادی نیز نبود (سلامی و نجم‌آبادی، ۳۲۵-۳۲۱). بدین سبب، دستاویز دومین گام تحول، حذف چادر سنتی با حفظ پوشیدگی بدن، مورد توافق نواندیشان تجددخواه بود. در مرحله دوم، به‌تدریج بر اندیشه «حجاب اختیاری» بانوان و یا همان برهنگی سر توافق شد. کتاب‌های عشقی، عارف و ایرج میرزا^۱، نمود این اندیشه یعنی مخالفت با چادر و سپس پوشش شرعی است و تخریب چهره حجاب، از ضروریات نواندیشی در این مقطع به حساب می‌آید. در حالی که «بی‌حجابی همگانی» تا پیش از اجبار رضا شاه، قابلیت لازم برای اعلان حضور را نداشت و حتی نواندیشان مذهبی با آن مخالف بودند (شکوفه، ۲۴). این امر مدلول بافت سنتی جامعه قاجار و نیز ناشی از گزینش روش تدریجی متعرضان در برداشتن حجاب و نتایج آن بود.^۲ پیامد ایده مذکور، با پیدایش تغییر پوشش در برخی زنان معتقد به چادر نیز دیده می‌شد و در سال‌های پایانی قاجار، پوشش سنتی حجاب و نقاب کم‌رنگ‌تر و به‌تدریج چادر مشکی و ضخیم، جای خود را به چادر نازک و روشن‌تر داده بود (کرونین، ۲۹۲).

در دوره پهلوی نیز زنان چادری با حذف روبنده و جایگزینی پیچه، بازگشودن صورت، گردن، سینه و دست‌ها در زیر چادر، حجابی متفاوت از حدود شرعی مرسوم عصر قاجار را استفاده می‌کردند (سالور، ۷۷۰۱). پس از آن خیزش تحول، رنگ صعودی به خود گرفت و اقدامات برای همگانی کردن پوشش غربی فزونی یافت.

۱. ایرج میرزا اولین شاعری بود که زنان را به دوری از چادر فراخواند (استاد ملک، ۸۵).

۲. افضل وزیری، در مورد تغییر وضعیت حجاب زنان و نحوه پوشش آنان، بر روش مسالمت‌آمیز با بی‌طرفی دولت اصرار داشت و اجرای آن را در مدارس مؤثر می‌دانست. پیشنهاد وی حذف موفق چاقچور و روبند و کفش نعلین، آزادی پوشش و لغو سختگیری در مدارس دخترانه، به‌منظور اثرگذاری بهتر بر دانش‌آموزان چادری و عادی انگاری تدریجی در جامعه بود (ملاح، ۹۵-۹۴).

اقداماتی نظیر چاپ کتاب در دلایل شرعی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی لزوم و وجوب رفع حجاب (نک. سلامی و نجم‌آبادی، ۲۲۲) و زمینه‌سازی نشریات در حجاب برداری تدریجی بانوان («آزادی زنان ایران»، ۱۵۰-۱۵۱)، به همراه بهره‌مندی از چهره‌های شاخص هنری، از جمله خوانندگان زن، برای تشویق حجاب زدایی با ترانه‌های مرتبط، نشان‌دهنده تمایلات تجدد خواهان برای پیشبرد تحول بود.

تعریف مبانی جدید مانند جدا دانستن حجاب و عفاف از یکدیگر و عدم ارتباط آن به چادر و نسبت آن به جهالت سستی مطرح شد. برداشت عقل‌گرایانه فردی از آیات قرآنی حجاب زنان (نک. ایرج میرزا، ۷۹-۸۵؛ افشار، ۷۵، ۳۸۹-۳۹۰) و جایگزینی فرهنگ نوین که دربردارنده مفاهیمی چون پیوست نجابت و اصالت با پوشش متمدن و نسبت آن به سنت و پیشینه ایرانیان (خسرویت و فرهنگ، ۳)، با جدیت دنبال شد. برای انسجام مبانی مخالفان، دولت رضا شاه تلاش کرد تا آرزوهای تجدد خواهان که پیش از این در مکتوبات محصور شده بود، جامه عمل بپوشاند. هرچند که کوشش‌های انتقادی نسبت به حجاب از جانب زنان در مقایسه با اصرار مردان فرنگ رفته کمتر بود و بیشتر مردان تجددگرا بودند که در اختلاط با زنان پیش‌قدم شده بودند (سلامی و نجم‌آبادی، ۲۲۲، ۲۷۸؛ سالور، ۷۷۰۲). حتی در آستانه کشف حجاب رضاخان‌ی افرادی مانند صدیقه دولت‌آبادی در «عالم نسوان»، با ابراز خرسندی از حجاب اختیاری که برای بانوان در ایران به وجود آمده بود، آن را از منع حجاب اجباری در ترکیه برتر می‌دانست (صنعتی و نجم‌آبادی، ۲۶۰/۱). همو به هنگام اقدامات تجددگرایانه در عصر رضاخان، به‌رغم نظریات پیشین، مخالفتی در کشف حجاب اجباری ابراز نکرد. پروین اعتصامی (بامداد، ۵)، زندخت شیرازی (بصاری، ۲۴)، مه‌رتاج‌رخشان (سلامی و نجم‌آبادی، ۳۰۲-۳۰۷)، کاظم‌زاده ایرانشهر، یحیی دولت‌آبادی (دولت‌آبادی، ۲۶/۴-۳۲۵) و دیگران، در شمار حامیانی بودند که با قدرت‌یابی رضاخان و استقرار دولت، اقدام رضاخان را ستودند (پیرنیا، ۲۴). در سومین گام، تحول با تغییر پوشش اختیاری به‌سوی مدرن پوشی اجباری رقم خورد و با حضور حامیان معنوی رفع حجاب و تلاش اندیشه‌ورزان در بدنه دولت، حجاب زدایی همگانی در دستور کار قرار گرفت. متحدالشکل کردن

لباس، کشف حجاب و آزادی زنان از جمله مسائلی بود که توسط افرادی همچون عبدالحسین تیمورتاش (صلاح، ۱۶۸)، ابوالقاسم مراغه‌ای، میرزا دولتشاهی (دولتشاهی، ۱۱/۱) و دیگران تأکید می‌شد. فروغی (۱۵۹، ۹۴، ۱۱۴) با تدوین مبانی سیاست‌های فرهنگی، کاظم‌زاده با تز حذف روحانیان از مقام حکومتی و جدایی دین از حکومت («موانع ترقی ایران»، ۶۴) و علی‌اکبر داور با طرح الگوی دیکتاتور عالم (انتخابی، ۱۷۹) و پیوند آزادی با پیشرفت، در شمار حلقه همیاران تجدد رضا شاهی حضور یافتند (داور، ۸ - ۹).

۳. کارکرد دولت رضا شاه در تحول اندیشه مخالفان حجاب

نگرش تحول‌خواه به حجاب در شخص شاه نیز مشهود بود (سالور، ۷۷۰۱). دیدگاه وی و فضای حمایتی دولت، سبب شکل‌گیری مسیری شد که در ظاهر بر اجبار رفتاری حکایت می‌کرد و در باطن بر الزامات فکری استوار بود. دولت رضا شاه در گذرگاه نخست، با انجام اموری توانست جامعه را متوجه مسیر تمدن‌ظاهری کند (نک. خشونت و فرهنگ، ۲۳، نمره ۴۴۷۲۵ و ۱۶۳۲۰). رضا شاه ضمن الگو پنداری زنان و افراد شاخص تحصیل کرده متجدد و فعال در ترویج پوشش غیر اسلامی، برای نسل جوان، پشتیبانی‌هایی لحاظ کرد. چنانچه از ۱۷ دی ۱۳۱۴، اقدامات پیشگیرانه و حمایتی از زنان پیش‌قدم و دگراندیش کانون‌ها و انجمن‌ها اجرا شد (خشونت و فرهنگ، ۸؛ هاکس، ۲۰۶).

قرار دادن عنوان تربیت نسوان هم‌وزن تجدد (خشونت و فرهنگ، ۷۱)، به‌کارگیری دانشجویان دختر تحصیل کرده خارج از کشور در دانشسرای عالی (صدیق، ۳۰۶/۲ - ۳۱۰) و یا ایجاد مشاغل جدید برای بانوانی که پوشش نوین را برگزیده بودند (اتحادیه و فرمان، ۲۲۳)، در کنار تخریب شخصیتی بانوان باحجاب، از الزامات فکری پذیرش بی‌حجابی بود. پوشانیدن چادر بر زنان معروف و بدنام (تغییر لباس، ۲۲۲، شماره سند ۲۳۰۹۲)، با هدف ایجاد خاطره ناپسند در اذهان عموم، نسبت به چادر و حجاب و یا دریافت هزینه مضاعف از بانوان چادری در برخی مراسم‌ها نیز قابل تأمل



است. در نگاه کلی، ناامن کردن روانی جامعه برای بانوانی که چادر را به عنوان پوشش برگزیده بودند، در دستور کار دولت مرکزی قرار داشت (سالور، ۷۷۰۱؛ صدرهاشمی، ۳۰۲/۲). به همین روش، اتاق فکر دولت در مرحله اول، پس از قبح شکنی و عادی سازی پوشش غیر اسلامی، آزادی مسائل غیردینی مانند گشودن رقص خانه ها (حکمت، ۹۹-۱۰۰)، آزادی اقلیت های مذهبی در امر پوشش (نک. خشونت و فرهنگ، گزارش نظمیۀ مازندران در خرداد ۱۳۰۹، نمره ۵۰۹) و در مرحله دوم با ایجاد وحشت ناشی از کشتار مردم معترض به اشاعه بی حجابی، در قیام گوهرشاد و امثال آن، ضمن پیوند اختناق - بین اقشار مذهبی - با سیاست حجاب زدایی در جهت تخریب نفوذ علما (نک. دهخدا، ۱۷-۱۰، ۲۱-۲۲)، آنان را مزاحم و مخالف اصلاحات و نوسازی معرفی کرد و دین اسلام را نیز محصول اعراب مهاجم نامید (صلاح، ۱۱۳؛ کاتم، ۱۸۰). سپس برای تضعیف آثار حضور روحانیون در جامعه و صیانت از تغییرات شکل گرفته، امر به معروف و نهی از منکر را ممنوع و آمران، مجرم اعلام شدند (همایون کاتوزیان، ۴۱۱-۴۱۰).

نتیجه

سیر تحول اندیشه معترضان حجاب در عواملی مانند آموزش با محوریت نشریات، مکتوبات، مدارس، انجمن ها و احزاب تبیین و ترسیم می شود. هسته مرکزی این تحول که با گذر از مشروطه در محور نشریات و اتخاذ رویکرد اعتراض بر اشکال حجاب و مشقت در فعالیت های اجتماعی شکل گرفت، در مدارس با الگوبرداری از آموزش غربی همسو شد و در انجمن ها با طرح و پیگیری مطالبات زنان متجدد نمو یافت. سپس با تغییر نگرش نواندیشان درگزینش پوشش مدرن (حذف چادر) و نشر نظریات نوین آنان در جراید، دومین گام به سوی تحول برداشته شد. در این مرحله، انتقاد از زن سنتی و مطالبه شرایط همسان و برترکشورهای غربی، با برقراری مساوات، آزادی، آموزش زنان همراه شد. مواجهه با دگراندیشی های اندیشمندان عرب و قرار گرفتن آرای ایشان در مسیر هم افزایی با دیگر افراد روشنفکر و اندیشه ور، به بایسته های

روشنفکری انجامید. تا پیش از دوره پهلوی مطالبه حجاب نوین بر تغییر رنگ چادر تا برداشتن روبند و چاقچور، مخالفت با پوشش وجه و کفین و یا طراحی لباس‌هایی برای پوشش به‌جای چادر بسنده می‌شد. این مطالبه در آستانه تغییر سلطنت با گام سوم به‌سوی تحول، نگاهی انتقادی به حدود حجاب را در دو دیدگاه حداکثری و حداقلی شکل داد. دیدگاه حداقلی به حجاب اختیاری و نوین پوشی معتقد بود و نگرش حداکثری بر مدرن پوشی همگانی و حذف حجاب سنتی تأکید داشت. نگرش انتقادی حداقلی در رویکرد حداکثری هضم شد. از این‌رو، در تکامل گام سوم، تحول آراء رقم خورد و برهنگی سر و بخشی از بدن مطرح شد. با آغاز دوران تحول، دوران گفتار تخریب و تحقیر حجاب، نهاده‌ها پوشش نوین، اقناع اندیشه برای پذیرش و عادی‌انگاری و الگوپنداری از زن غربی در اشکال متنوع، توسط معترضان حداکثری پیگیری شد و در نتیجه آن، تفاوت دیدگاه نواندیشان دین‌گرا و تجددمآبان محرز شد. تحول مذکور در دوره پهلوی با الزامات رفتاری، فکری و روحی به حذف عمومی چادر توسط روشنفکران دولتی و شخص رضا شاه منجر شد. برنامه‌های تجدد نسوان، باآنکه اجباری بود؛ اما از آنجا که با آموزش و پرورش همراه بود، اثرات خود را حتی پس از خروج رضا شاه از کشور باقی نهاد. از این منظر، شاخصه اعتراض بر حجاب سنتی در بازه زمانی مورد پژوهش، در فرایند آموزش، شاهد رشد بوده‌است.

منابع

- آبراهامیان، پرواند، ایران بین دو انقلاب: از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه حسن شمس‌آوری، محسن مدیرشانه‌چی و کاظم فیروزمند، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۱.
- آدمیت، فریدون، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، تهران، سخن، ۱۳۴۰.
- «آزادی زنان ایران»، عالم‌نسون، سال ۱، ش ۴، ۱۳۰۲.
- آقاری، ژانت، «گذار از میان صخره و گرداب: دگرگونی نقش زن و مرد در ایران قرن بیستم»، ایران‌نامه، ش ۵۹، ۱۳۷۶.
- _____، انجمن‌های نیمه سری زنان در نهضت مشروطه، مترجم دکتر جواد یوسفیان، تهران، بانو، ۱۳۷۷.
- «احساسات پاک یک جوان حساس»، ایرانشهر، سال ۲، ش ۱۱ و ۱۲، ۱۲۹۳.
- «اولین قدم»، جمعیت نسون وطنخواه، سال ۱، ش ۱، ۱۳۰۲.
- اتحادیه، منصوره و سیروس سعدویان، خاطرات تاج السلطنه، بی‌جا، وزیری، ۱۳۶۲.
- اتحادیه، منصوره و بهمن فرمان، حکایت یک زن در زیرویم روزگار زندگی نامه عزت السلطنه نظام‌مافی، تهران، سپاس، ۱۳۹۱.
- استاد ملک، فاطمه، حجاب و کشف حجاب در ایران، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۳۶۷.
- افشار، محمود، گفتار ادبی، بی‌جا، انتشارات ادبی و تاریخی، ۱۳۵۳.
- امین، قاسم، زن و آزادی (تحریر المراه)، ترجمه احمد مهذب، تهران، بی‌نا، بی‌تا.
- انتخابی، نادر، ناسیونالیسم و تجدد در ایران و ترکیه، تهران، آفتاب، ۱۳۹۰.
- ایرج میرزا، دیوان کامل ایرج میرزا (تحقیق در احوال و آثار و افکار و اشعار ایرج میرزا و خاندان و نیاکان او)، به‌کوشش محمدجعفر محجوب، تهران، گلشن، ۱۳۵۶.
- بامداد، بدرالملوک، زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۸.
- بصری، طلعت، مجموعه اشعار و زندگی زندخت شیرازی، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۴۶.
- پیرنیا، منصوره، خانم وزیر (خاطرات و دست‌نوشته‌های فرخ روپارسا)، آمریکا، مهر ایران، ۱۳۸۶.
- «تربیت از گهواره تا لحد همراه است»، روزنامه دانش، ش ۲، ۱۳۲۸ق.
- «تکرار ازدواج - عدم تساوی حقوق در طلاق»، دختران ایران، سال ۱، ش ۲، ۱۳۱۰.
- ترابی‌فارسانی، سهیلا، اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۸.
- تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تهران،

- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.
- تکمیل همایون، ناصر، آموزش و پرورش در ایران، بی‌جا، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵.
- جاحظ، عمرو بن بحر، القیان، مجمع الرسائل، بیروت، بی‌نا، ۱۹۸۷ق.
- «حق با آزادی ست»، زبان زنان، سال ۱، ش ۶، ۱۳۲۸ق.
- حکمت، علی‌اصغر، سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی، تهران، شرکت چاپ پارس، ۱۳۵۵.
- «خدمت مدیره محترمه جریده فریده نامه بانوان»، نامه بانوان، سال ۱، ش ۴، ۱۲۹۹.
- خشونت و فرهنگ؛ اسناد محرمانه کشف حجاب (۱۳۲۲-۱۳۱۳)، مدیریت پژوهش، انتشارات و آموزش، تهران، سازمان اسناد و مدارک ملی ایران، ۱۳۷۱.
- «در فرايض مریان حقیقی مردان یعنی نسوان» نامه بانوان، سال ۱، ش ۱۳، ۱۳۲۳ق.
- داور، علی‌اکبر، بحران، آینده، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۰۵.
- دولت‌آبادی، یحیی، حیات یحیی، تهران، فردوسی، ۱۳۶۱.
- دولتشاهی، مهرانگیز، جامعه، دولت و جنبش زنان ایران ۱۳۴۲-۱۳۵۷، بی‌جا، تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات ایران، بی‌تا.
- دهخدا، علی‌اکبر، چرند و پرند، به تصحیح اکبر مرتضی پور، تهران، عطار، ۱۳۷۸.
- «راجع به تشریف‌فرمایی اعلی حضرت، از سفارت کبرای آنکارا»، اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ۲۶، ردیف ۱۵۱، سند ش ۱۸، معارف و ورزش، ۱۳۱۴.
- «الرجال قوامون علی النساء»، روزنامه حدید، سال ۱، ش ۶، ۱۳۲۳ق.
- رشیده، شمس‌الدین، سوانح العمر، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲.
- رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، قاهره، هیئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۰م.
- «زنان نامی جهان»، مجله جهان زنان، سال ۱، ش ۵، ۱۳۰۰.
- زرگری نژاد، غلامحسین، رسائل مشروطیت (۱۸) هجده رساله و لایحه درباره مشروطیت، تهران، کویر، ۱۳۷۷.
- «سحرگه به گوشم نویدی رسید»، نامه بانوان، سال ۱، ش ۱، ۱۲۹۹.
- «سوسیالیسم»، زبان زنان، دوره اول، ش ۲۴، ۱۳۳۸ق.
- سالور، قهرمان میرزا و دیگران، روزنامه خاطرات عین السلطنه: روزگار پادشاهی سلسله پهلوی ۱۳۲۴-۱۳۱۰، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰.
- سلامی، غلامرضا، نجم‌آبادی، افسانه، نهضت نسوان شرق، تهران، شیرازه، ۱۳۸۴.



- شکوفه، سال ۲، ۵ شهر ربیع الثانی ۱۳۳۲.
- شوادران، بنجامین، خاورمیانه نفت و قدرت‌های بزرگ، ترجمه عبدالحسین شریفیان، بی‌جا، فرانکلین، ۱۳۵۲.
- شیخ‌الاسلامی، پری، زنان روزنامه‌نگار و اندیشمندان ایران، تهران، مؤلف، ۱۳۵۱.
- صدرهاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان، کمال، ۱۳۶۳.
- صدیق، عیسی، یادگار عمر خاطراتی از سرگذشت دکتر عیسی صدیق، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۵.
- صلاح، مهدی، کشف حجاب (زمینه‌ها، پیامدها و واکنش‌ها)، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴.
- صنعتی، مهدخت نجم‌آبادی، افسانه، صدیقه دولت‌آبادی (نامه‌ها، نوشته‌ها و یادداشت‌ها)، شیکاگو، سلسله انتشارات «نگرش و نگارش زن»، ۱۳۷۷.
- طالبوف‌تبریزی، عبدالرحیم، سیاست طالبی، به کوشش رحیم رئیس‌نیا، محمدعلی علی‌نیا و علی‌کاسبی، تهران، علم، ۱۳۵۷.
- «طلب‌العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة»، روزنامه حدید، سال ۲، ش ۱۳، ۱۳۲۴ق.
- ظهیری، علیرضا، عصر پهلوی به روایت اسناد، قم، معارف، ۱۳۷۹.
- «عریضه دوم به خاک‌پای اعلی‌حضرت اقدس شهریار ارواحنا فدا»، نامه بانوان، سال ۱، ش ۱۳، ۱۲۹۹.
- فرمانفرمایان، مهرماه، زیر نگاه پدر-خاطرات مهرماه فرمانفرمایان از اندرونی، تهران، کویر، ۱۳۸۳.
- فروغی، محمدعلی، سیاست‌نامه ذکاءالملک، مقاله‌ها، نامه‌ها و سخنرانی‌های سیاسی، به کوشش ایرج افشار و هرمز همایون‌پور، تهران، کتاب روشن، ۱۳۸۹.
- فیروز، مریم، خاطرات مریم فیروز (فرمانفرمایان)، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۲.
- «کوکب آغاخانم»، عالم‌نسون، سال ۷، ش ۷ و ۸، ۱۳۰۶.
- کاتم، ریچارد، ناسیونالیسم در ایران، ترجمه فرشته سرلک، تهران، نشرگفتار، ۱۳۷۱.
- کراچی، روح‌انگیز هشت رساله در بیان احوال زنان، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ مطالعات اسلامی، ۱۳۹۰.
- کرمانی، ناظم الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، به کوشش سعیدی سیرجانی، تهران، آگاه، ۱۳۵۷.
- کرونین، استفانی و دیگران، رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، جامی، ۱۳۸۹.
- «گرفتار ظلمت جهالت و بی‌علمی و نادانی»، ایران نو، سال ۱، ش ۳۴، ۱۳۲۷-۱۳۲۸ق.

- «موانع ترقی ایران»، ایرانشهر، سال ۱، ش ۴، ۱۳۴۱ق.
- مراغه‌ای، زین‌العابدین، سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ (سه‌جلدی)، به کوشش م.ع. سپانلو، بی‌جا، آگه، ۱۳۹۳.
- مکی، حسین تاریخ بیست‌ساله ایران: استحکام دیکتاتوری پهلوی، تهران، علمی، ۱۳۶۲.
- مهریزی، مهدی، شخصیت و حقوق زن در اسلام، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
- ناهید، عبدالحسین، زنان ایران در جنبش مشروطه، تبریز، احیا، ۱۳۶۰.
- ملاح، مهرانگیز، بی‌بی خانم استرآبادی و خانم افضل وزیری، تهران، شیرازه، ۱۳۸۵.
- نوری، فضل‌الله، لویح آقا شیخ فضل‌الله نوری، به کوشش هما رضوانی، تهران، تاریخ ایران، ۱۳۶۲.
- «وخامت نادانی مادران»، نامه بانوان، سال ۲، ش ۱۵، ۱۳۲۳ق.
- وطن‌دوست، غلامرضا و دیگران، زن ایرانی در نشریات مشروطه، بی‌جا، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۵.
- وکیلی، هادی، مجموعه مقالات همایش ملی قیام گهرشاد: رویارویی فرهنگ ایرانی اسلامی با فرهنگ مهاجم غرب، مشهد، بوی شهر بهشت، ۱۳۹۶.
- هاکس، مریت، ایران افسانه و واقعیت، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
- همایون‌کاتوزیان، محمدعلی، دولت و جامعه در ایران: انقراض قاجار و استقرار پهلوی، ترجمه حسن افشار، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰.